
مطالعه رابطه بین حمایت‌های اجتماعی و گرایش به تکرار جرم در بین افراد آزاد شده از زندان

دکتر محمد زاهدی اصل^۱، محمد راجعیان^۲

چکیده

امروزه، به واسطه تکرار جرم، زندان‌ها در اکثر کشورها، انباشته از مجرمان مکرر و دادگاه‌ها مملو از پرونده‌هایی هستند که در انتظار رسیدگی قرار دارند. بسیاری از این افراد به دلایلی همچون شرایط نامطلوب خانوادگی، پیوندهای ضعیف خویشاوندی، وضعیت نامناسب اجتماع محل زندگی، فقر، بیکاری، ضعف حمایت‌های رسمی و ... دچار تکرار کجروی‌ها و آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌گردند. در تحقیق حاضر، براساس روش پیمایش و با اجرای پرسشنامه محقق ساخته به بررسی رابطه بین حمایت‌های اجتماعی با گرایش به تکرار جرم در بین افراد آزاد شده از زندان پرداخته شد. نتایج بدست آمده از نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهند که بین وضعیت حمایت‌های نظام خانواده، شبکه اجتماعی و سازمان‌های حمایتی با گرایش به تکرار جرم رابطه معناداری وجود دارد. بطوری که، می‌توان با تقویت پیوندهای اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی‌ای که از طریق سازمان‌های حمایتی، اجتماع‌ها، شبکه‌های اجتماعی، خانواده‌ها و روابط بین‌فردی ارائه می‌گردد محیط جرم‌زا را کاهش داد و بدین ترتیب، از ارتکاب افراد به جرم و گرایش مجدد افراد مجرم به تکرار جرم پیشگیری نمود.

کلید واژه‌ها: کنترل اجتماعی - گرایش به تکرار جرم - منابع حمایت اجتماعی.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۷

^۱-عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

^۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی (m.rajeyan@yahoo.com)

مقدمه

عده‌ای بر این باورند که: «در دنیا این نظریه وجود دارد که حبس هنوز بهترین نوع مجازاتی است که تاکنون بشریت به وجود آن آگاه شده است و تا زمانی که نتوان کیفر مناسب-تر از حبس معرفی کرد باید در اصلاح زندان‌ها کوشید تا تغییر نوع کیفرها» (محدث، ۱۳۸۸: ۵).

زندان، اصلی‌ترین مجازات جهان امروز است. زندانی کردن یکی از شیوه‌های مجازات خلافکاران و حمایت از شهروندان در برابر آنان است اما اصل اساسی نظام زندان، اصلاح افراد و آماده نمودن آن‌ها برای ایفای نقشی مفید و شایسته در جامعه پس از آزادی از زندان می‌باشد. اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که «آیا زندان‌ها همان تأثیر منظور شده «اصلاح و بازپروری» مجرمان محکوم شده و پیشگیری از ارتکاب جرائم تازه را دارند؟ این پرسش مسأله پیچیده‌ای است اما ظاهراً شواهد حاکی از این هستند که پاسخ این پرسش منفی است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۴۴ - ۳۴۵).

امروزه، به واسطه تکرار جرم، زندان‌ها در اکثر کشورها، انباشته از مجرمان مکرر و دادگاه‌ها مملو از پرونده‌هایی هستند که در انتظار رسیدگی قرار دارند. با وجود صرف هزینه‌های بسیار سنگین در نظام عدالت کیفری که مصروف تأسیس دادگاه‌ها، زندان‌های عظیم، کارگاه‌های آموزشی علمی و حرفه‌ای و تحقیقات متعدد که در مراحل تشخیص و درمان و بازپروری صورت می‌گیرد، تعداد زیادی از این افراد پس از طی فرآیند کیفری به تصور اینکه اصلاح شده‌اند، آزاد می‌شوند، ولی بار دیگر به ارتکاب جرم اقدام نموده و در نتیجه، چرخ‌های دستگاه عدالت کیفری را به دفعات به گردش در می‌آورند (غلامی، ۱۳۸۲: ۸). براساس آمار زندان فدرال ایالت ماساچوست آمریکا، ۹۷ درصد از کل کسانی که به زندان می‌روند، در نهایت آزاد شده و به اجتماع باز می‌گردند (راهرو خواجه و دلربایی فرد، ۱۳۹۰: ۲۷). براساس آخرین آمار اعلام شده از سوی سازمان زندان‌های ایران به مرکز مطالعات بین‌المللی زندان‌های جهان (ICPS)^۱ تا اواخر اواخر سال ۲۰۱۲، تعداد زندانیان ایران ۲۱۷ هزار نفر اعلام شده است. یعنی در سال ۲۰۱۲ (سال ۱۳۹۱) به ازای هر ۲۸۴ نفر ایرانی یک زندانی داریم. این در حالی است که، بنابه گزارش این سازمان، زندان‌های کشور تنها گنجایش ۱۱۳ هزار زندانی را دارا می‌باشند (www.prisonstudies.org). همچنین، برآوردها حاکی از آن است که حدود ۹۰ درصد از

^۱ - International Centre for Prison Studies

این افراد - به جز محکومین به قصاص نفس - در طول یک سال، از زندان آزاد می‌شوند. نرخ بازگشت به زندان نیز در کشور برابر با ۳۳ درصد است (راهرو خواجه و دلربایی فرد، ۱۳۹۰: ۲۷). به طوری که، برخی از افراد آزاد شده از زندان در طول یک سال ممکن است ۲ تا ۴ بار زندانی شوند. در سیستم زندانبانی انگلیس نیز «۵۳ درصد از همه افراد زندانی، ۷۵ درصد از جوانان متخلف و ۸۹ درصد از جوانانی که محیط حبس را ترک می‌کنند طی دو سال مجدداً محکوم می‌شوند (پوراحمدی لاله، ۱۳۸۶: ۲۲). بنابراین، جلوگیری از بازگشت مجدد این افراد به رفتار مجرمانه و در نتیجه زندان، از اولویت‌های مهم اصلاحی و تربیتی‌ای محسوب می‌گردد که بیش از پیش مورد توجه مسئولان و دولتمردان کشورهای مختلف قرار دارد.

بیان مسأله

بسیاری از این افراد به دلایلی همچون شرایط نامطلوب خانوادگی، پیوندهای ضعیف خویشاوندی، وضعیت نامناسب اجتماع محل زندگی، فقر، بیکاری و مشکلات اساسی در تأمین معاش، ضعف حمایت‌های رسمی و ... دچار تکرار کجروی‌ها و آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌گردند. متخصصان اصلاح و تربیت معتقدند که منافع کاهش جرم را باید در طرح‌ها و برنامه‌های توانبخشی خاص در دوران حبس، انتقال ساختار یافته به اجتماع و درمان و حمایت پس از ورود به مسیرهای اصلی اجتماع دنبال نمود (موتیوک، بو و نافخ، ۲۰۰۲؛ نقل از، راهرو خواجه و دلربایی فرد، ۱۳۹۰: ۳۱) و بدون حمایت‌های اجتماعی نمی‌توان انتظار چندانی به موفقیت این برنامه‌ها و بازگشت مجدد این افراد به جامعه داشت. دیدگاه حمایت اجتماعی بر این اصل اساسی استوار است که افراد نیازمند حمایت و مراقبت، مانند افراد زندانی می‌بایست در بطن جامعه و اجتماع‌شان مورد آموزش، ترغیب، متقاعدسازی، مشاوره، حمایت و باز اجتماعی شدن^۱ قرار گیرند. چرا که، «محیط اجتماعی» به عنوان مهمترین و محوری‌ترین منبع حمایتی در جهت پیشگیری از وقوع و تکرار بسیاری از انحرافات و کجرفتاری‌های اجتماعی محسوب می‌گردد. به طوری که، می‌توان بین یک «محیط حمایت‌گر» و یا یک «محیط غیرحمایت‌گر» با «ارتکاب» و یا «تکرار جرم» رابطه و معنایی را جست و جو کرد. لذا، در کار تحقیقی حاضر بر آن شدیم تا به سؤالاتی نظیر: آیا حمایت‌های نظام خانواده می‌تواند موجبات کاهش گرایش افراد آزاد شده از زندان را فراهم سازد؟، حمایت‌های شبکه اجتماعی این افراد چه نقشی در این

¹ -resocialization

زمینه دارد؟ و آیا بین وضعیت حمایت‌های سازمان‌های حمایتی و گرایش به تکرار جرم در بین این افراد رابطه‌ای وجود دارد؟ پاسخ گوییم.

مبانی نظری

امروزه فصل جدیدی از مطالعات در حوزه جرم‌شناسی به منظور پیشگیری از وقوع جرم و تکرار جرم مطرح گردیده، که از آن با عنوان «پارادایم حمایت اجتماعی»^۱ یاد می‌شود. این رویکرد تأکید دارد که حمایت‌های اجتماعی‌ای که از طریق برنامه‌های اجتماعی دولت، اجتماع‌ها، شبکه‌های اجتماعی، خانواده‌ها، روابط بین فردی، یا نمایندگی‌های نظام عدالت کیفری، ارائه می‌گردد، باعث کاهش محیط جرم‌زا می‌گردد (کالن^۲، ۱۹۹۴). بیش از ۳۰ سال گذشته، کنترل اجتماعی و یادگیری اجتماعی برای برتری در جرم‌شناسی مبارزه می‌کنند. تئوری حمایت اجتماعی یک تازه وارد به این مبارزه است (جینارو، جفری و رونالد^۳، ۲۰۰۷: ۱۹۱). مهمترین نظریه‌پرداز در این عرصه فرانسویس کالن، جرم‌شناس و جامعه‌شناس معروف فرانسوی است. کالن (۱۹۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «حمایت اجتماعی به عنوان یک مفهوم در حال ساخته شدن برای جرم‌شناسی» حمایت اجتماعی را به عنوان یک چارچوب کاری عمومی برای فهم جرم‌شناسی و عدالت کیفری معرفی کرد. در این مقاله، کالن بیان می‌دارد که «اگر چه حمایت اجتماعی به عنوان یک موضوع در تعداد زیادی نوشته‌های جرم‌شناسی وجود دارد، اما بطور صریح به عنوان یک مفهوم قابل سازماندهی نظری و تحقیقاتی در جرم‌شناسی معرفی نشده است. طرح جرم‌شناسی موجود و نوشته‌های مرتبط، در این نشانی، از یک مجموعه موضوعاتی ناشی می‌شود که یافته‌ها را در یک روش ابتدایی، برای پارادایم حمایت اجتماعی درباره مطالعه جرم و کنترل شکل می‌دهد. مجادله مهم این است که آیا حمایت اجتماعی که از طریق برنامه‌های اجتماعی دولت، جامعه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، خانواده‌ها، روابط میان فردی و یا نمایندگی‌های نظام عدالت کیفری ارائه می‌گردد، محیط جرم‌زا را کاهش می‌دهد؟ بعلاوه، او ادعا می‌کند که تا جائیکه پارادایم حمایت اجتماعی ثابت می‌کند، "جرم‌شناسی خوب"^۴ می‌باشد، اگر - تصدیق کند که سیاست‌ها و موقعیت‌های بدون حمایت جرم‌زا هستند - یک جامعه خوب^۵ می‌تواند زمینه‌هایی را برای ایجاد حمایت‌گرهای بیشتر فراهم سازد (کالن، ۱۹۹۴). در

1. social support paradigm
3. Gennaro, Jeffrey & Ronald
5. Good Society

2. Cullen
4. Good criminology

مطالعه دیگری در سال ۲۰۰۱ که از داده‌های یک نمونه ملی از نوجوانان استفاده کرد، نشان می‌دهد که هم حمایت اجتماعی و هم کنترل اجتماعی بر انحراف تأثیر دارد. والدینی که بیشتر قابل اعتماد بودند (به وقایع مهم در زندگی بچه‌ها توجه می‌کردند)، حامی بودند (به طور مستمر ستایش، تأثیر، تمجید و از تشویق کردن به سرگرمی‌ها استفاده می‌کردند) کمتر احتمال انحراف بچه‌ها را داشتند. میزان حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی (انضباط والدینی) ارتباط دارد اما پیش بینی شد که انحراف، مستقل از سطح کنترل والدین می‌باشد. در سطح کلان، تحقیق نشان می‌دهد که نوع دوستی اجتماعی در درون شهرها جرم را کاهش می‌دهد. در این تحقیق، نمونه‌ای از ۳۰۰ شهر را مورد استفاده قرار دادند، محققان دریافتند که ویژگی و شدت نرخ‌های جرم در شهرهای با سهم پایین پیوستگی بالا می‌باشد (جیننارو، جفری و رونالد، ۲۰۰۷: ۱۹۱). جیانگ و وینفری^۱ (۲۰۰۶) نیز در تحقیقی با عنوان «حمایت اجتماعی، جنس و سازگاری زندانی برای زندگی در زندان» به بررسی این موضوع پرداختند که، اگر چه زندگی در زندان برای همه زندانیان مشکل است، مدرک این حکایت و تعداد کمی از مطالعات کیفی بر روی زنان زندانی بیان می‌دارد که زنان زمانی که زندانی هستند نیازهای حمایت اجتماعی بیشتری دارند. این ادعا برای کامل‌تر کردن فهم سازگاری در زندان با اهمیت است. به خصوص، مکانیزم‌های حمایت اجتماعی درون نهادی و اضافی ممکن است فشارهای دریافت شده پیوسته ناشی از حبس شدن زندانی را کاهش دهد و منجر به کاهش تخلفات نقش‌های رسمی گردد. دلالت‌های این یافته‌ها برای فهمیدن زندگی زندان و همچنین، برای مدیران زندان آزمون می‌گردد (جیانگ و وینفری، ۲۰۰۶). هاچست، دلیسی و پارت^۲ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «حمایت اجتماعی و احساسات متضاد در میان زندانیان آزاد شده» به تشریح این موضوع پرداختند که، اجماع گسترده‌ای وجود دارد که فشارهای حبس و عدم حمایت پس از آزادی بر سلامت روانی مجرم تأثیر دارد و به ضرر فرصت‌های استقرار مجدد موفقیت‌شان عمل می‌کنند (هاچست، دلیسی و پارت، ۲۰۱۰).

علی‌رغم اینکه، موضوعات حمایت اجتماعی و تکرار جرم بیش از سه دهه است که در تحقیقات و پژوهش‌های خارجی به صورت منسجم مورد بررسی قرار گرفته‌اند اما در ادبیات و پژوهش‌های داخلی در حوزه جرم و جرم‌شناسی کمتر مطرح بوده‌اند. مطالعات و پژوهش‌های

^۱-Jiang & Winfree

^۲-Hochstet, Delisi & Partt

داخلی صورت گرفته در ارتباط با موضوعات فوق را می‌توان به دو حوزه کاملاً متمایز از یکدیگر تفکیک نمود: ۱. مطالعات مربوط به حمایت اجتماعی و ۲. مطالعات مربوط به تکرار جرم. «حمایت اجتماعی» به رغم اینکه یکی از متغیرهای مهم اجتماعی است، کمتر در تحقیقات اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. مطالعات و پژوهش‌های موجود درباره حمایت اجتماعی بیشتر از جنبه روان‌شناختی و بهزیستی انجام پذیرفته و تأثیر و رابطه آن با سلامت، افسردگی، اضطراب، سازگاری و سایر متغیرهای روانشناختی بررسی شده است. در حالی که، مطالعات مربوط به تکرار جرم، اساساً با رویکرد حقوقی و در معنای حقوقی موضوع «تکرار جرم» پرداخته شده است. فصل مشترک این دو بخش این است که هم ادبیات مربوط به «حمایت اجتماعی» و هم ادبیات مربوط به «تکرار جرم» کمتر وارد ادبیات حوزه علوم اجتماعی گردیده و کمتر به وسیله پژوهشگران علوم اجتماعی بدان‌ها پرداخته شده است. از این رو، می‌توان تلفیق این دو حوزه در یک کار تحقیقی با رویکرد اجتماعی را (مانند تحقیق حاضر را) به عنوان فصل جدیدی از تحقیقات اجتماعی در حوزه «جرم‌شناسی» در کشور محسوب نمود. از جمله تحقیقات پراکنده داخلی، که به گونه‌ای به موضوع «مجرمین» و «حمایت اجتماعی» پرداخته‌اند می‌توان به تحقیق: مهدوی و عباسی (۱۳۸۷)، کفاشی و اسلامی (۱۳۸۸)، اسدالهی و دیگران (۱۳۸۸)، آلبوکردی و دیگران (۱۳۸۹) و نورایی و صیدی (۱۳۸۹) اشاره کرد.

مبانی نظری

نظریه‌های حمایت اجتماعی^۱: نظریه پردازان درباره ماهیت حمایت اجتماعی عدم اجماعی را نشان می‌دهند. این عدم اجماع به پیچیدگی در ارزیابی یافته‌ها و مداخلات حمایت اجتماعی، مقایسه یافته‌های تحقیقی و توسعه نظریه حمایت اجتماعی کمک می‌کند. بنابراین، غالب بودن تعاریف چند بعدی، رابطه متقابل مثبت یا رفتار مفید، بوسیله همه تعاریف حمایت اجتماعی به یکدیگر مرتبط می‌گردند. ویژگی‌های زیادی وجود دارد که کیفیت شرایط حمایت اجتماعی را مانند ثبات، جهت و منابع حمایت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به وسیله تعداد و دسته‌های اشخاصی که حمایت اجتماعی را فراهم می‌کنند: مانند اعضای خانواده، دوستان نزدیک، همسایگان، همکاران و افراد حرفه‌ای، توصیف گردند (پیترسون، بردیو و تیموتی^۲، ۲۰۰۹: ۱۶۶).

^۱ - social support theory

^۲ peterson, bredow & Timothy

کاب^۱ (۱۹۷۶)، جنتری و کوباسا^۲ (۱۹۸۴)، والستون و دیگران^۳ (۱۹۸۳) و ویلز^۴ (۱۹۸۴) بیان می‌دارند حمایت اجتماعی به مراقبت، محبت، عزت، تسلی و کمکی که سایر افراد یا گروه‌ها به فرد ارزانی می‌دارند، گفته می‌شود (نقل از سارافینو، ۱۳۸۴: ۱۷۸). ماهیت حمایت اجتماعی به شیوه‌های گوناگونی تعریف و طبقه‌بندی شده است. بنابراین، جهت دوری از اطاله کلام، در جدول ۱ به طور خلاصه تعاریف، ابعاد، ویژگی‌ها، ساخت‌ها و طبقه‌بندی‌های مختلف در بررسی ماهیت حمایت اجتماعی ارائه گردیده شده است.

جدول ۱: تعریف‌های چند بعدی نظری حمایت اجتماعی (پیترسون، بریدو و تی موتی، ۲۰۰۹: ۱۶۵)

عنوان	اجزاء حمایت اجتماعی
جنبه‌ها (کوهن ^۵) (۱۹۹۲)	شبکه‌های اجتماعی / حمایت ادراک شده / رفتارهای حمایت کننده
دسته‌ها (هاپ سی ^۶) (۱۹۹۳)	انواع فراهم کننده حمایت / ادراک گیرندگان / نیت یا رفتارهای فراهم کننده حمایت / حمایت متقابل / شبکه‌های اجتماعی
ساخت‌ها (ویوکس ^۷) (۱۹۸۸)	منابع شبکه حمایتی / حوادث حمایتی / رفتارهای حمایتی / ارزیابی‌های حمایتی / حمایت یا جهت شبکه
فواید مختلف (هاوس ^۸) (۱۹۸۱)	حمایت عاطفی / حمایت اطلاعاتی / حمایت ابزاری / حمایت ارزیابی
ابعاد (کاترونا ^۹) (۱۹۹۰)	عاطفی / عزت (ارزیابی) / محسوس (ابزاری) / ادغام اجتماعی
مبادلات میان فردی (کان ^{۱۰}) (۱۹۷۹)	تأثیر - احساس دوست داشتن یا عشق / تأکید - درباره رفتار، ادراک و نگرش‌ها / تأثیر - احساس احترام یا تحسین / کمک - مادی یا نمادین
خرده مفاهیم (باررا ^{۱۱}) (۱۹۸۱)	کمک مادی / کمک فیزیکی / مبادله صمیمیت / راهنمایی / بازخورد / مشارکت اجتماعی
طبقه‌بندی (لایریتز و بامان ^{۱۲})	ادغام اجتماعی / منابع شبکه‌ای / محیط و جو حمایتی / حمایت دریافت شده و ثبت شده / درک از حمایت صورت گرفته
انواع (وارتمن ^۲) (۱۹۸۴)	بیان تأثیر مثبت / بیان توافق / تشویق بیان آزاد احساسات / ارائه مشورت و اطلاعات / ویژگی‌های کمک مادی

1. Cobb

3. Wallston, Alagna, Devellis & Devellis

5. Cohen

7. Vaux

9. Cutrona

11. Barrera

2 -Wartman

2. Gentry & Kobasa

4. Wills

6. Hupcey

8. House

10. Kahn

12. Liriter & Baman

منابع حمایت اجتماعی: حمایت اجتماعی می‌تواند از منابع مختلف از جمله: جامعه، خانواده، خویشاوندان، دوستان، همکاران، و غیره ناشی می‌شود که در ذیل به پاره‌ای از مهم‌ترین این منابع اشاره می‌گردد:

شبکه اجتماعی: رابطه اجتماعی رکن اصلی «ما» و اجتماع است. بدون رابطه اجتماعی، وجود «ما» و اجتماع و بالطبع جامعه غیر قابل تصور است (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). یکی از عوامل تعیین‌کننده بهره‌مندی از حمایت، ساختار شبکه اجتماعی فرد است (سارافینو، ۱۳۸۴: ۱۸۰). شبکه اجتماعی شامل افرادی است که حمایت اجتماعی را به فرد ارائه می‌دهند. این افراد می‌توانند شامل اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایه‌ها، همکاران، کادر درمانی و روحانیون باشد. در هنگام بررسی شبکه اجتماعی به خصوصیات از جمله اندازه شبکه که همان تعداد افراد موجود در شبکه اجتماعی است، لازم است توجه شود. البته یک شبکه بزرگ الزاماً به معنی میزان زیاد حمایت نیست. کیفیت روابط بین فردی و در دسترس بودن افراد، در کنار شمار اشخاص موجود در شبکه به پذیرش حمایت کمک می‌کند. برقراری ارتباط قوی با اعضای شبکه اجتماعی به دریافت حمایت از سوی شبکه کمک کرده و شرایط اجتماعی مطلوبی را فراهم می‌کنند (رامبد و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۳).

خانواده به عنوان یک نظام حمایتی: در سال ۱۹۶۷ به وسیله کاپلان نظریه‌ای مفید برای بحث درباره اینکه چگونه خانواده به عنوان یک نظام حمایت‌کننده عمل می‌کند ارائه شد. کاپلان می‌گوید که خانواده از چند راه مختلف به عضو خود خدمت می‌کند. به عنوان یک منبع اطلاعاتی درباره جهان و نظامی برای کنترل و اصلاح متقابل، منبع ایدئولوژی و راهنما و واسطه‌ای در حل مشکلات، منبع خدمت عملی و راهنمایی صحیح، پناهگاهی برای استراحت و رفع خستگی، به عنوان یک گروه کنترل و مرجع عمل می‌کند (سعیدی پور، ۱۳۸۹: ۷۸ و ۷۹). حمایت خانواده به عنوان یک متغیر چند بعدی است که گویای افزایش درک خانواده نسبت به انسجام و ثبات در خانه و کم بودن میزان تضاد در میان اعضای خانواده می‌باشد. خانواده اولین منبع مراقبتی و حمایتی افراد است. چرا که در هنگام بروز بحران و مشکل، اعضای خانواده با تمام وجود به حمایت از یکدیگر پرداخته و حساب سود و زیان خود را نمی‌کنند (رامبد و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۳).

حمایت جامعه‌ای^۱: فردینانت تونیس^۲ معتقد است، علت تغییر و تحولاتی که در جوامع مختلف انسانی روی می‌دهد، بیش از هر چیز ناشی از انواع روابط میان افراد است. وی مطرح می‌کند که در دنیا دو نوع گروه انسانی وجود دارد: گروهی که اجتماع^۳ نامیده می‌شود و گروهی که به جامعه^۴ معروف است (اقلیما و عادلین راسی، ۱۳۸۸: ۲۶). تونیس، آنجا که روابط اجتماعی متأثر از اراده طبیعی انسان‌هاست از مفهوم اجتماع و آنجا که روابط اجتماعی تحت هدایت اراده عقلانی است از مفهوم جامعه استفاده می‌کند. این دو صورت روابط اجتماعی از دیدگاه تونیس مقولات بنیادین هر واقعیت اجتماعی به شمار می‌روند (روشه، ۱۳۷۵: ۳۹-۴۵). جامعه که شکل نهایی جوامع امروزی می‌باشد، به دلیل فردگرایی یا علایق فردی، مردم زمان کمی را برای پرداختن به مشکلات همسایه‌ها، دلسوزی برای افراد نه چندان خوشبخت و ابراز حمایت‌های گوناگون از افرادی که در خارج از خانواده آن‌ها هستند، صرف می‌کنند. کالن پیشنهاد می‌کند که خصوصیات یک جامعه جرم‌خیز را که به طور مرسوم از آن به عنوان نشانه سازمان‌نیافتگی تعبیر می‌کند؛ مثل جدایی خانواده، روابط ضعیف دوستانه، نرخ کم مشارکت افراد در برنامه‌های داوطلبانه است، به سادگی می‌توان از آن به عنوان حمایت ضعیف اجتماعی تعبیر کرد. به طور ذاتی فقدان شبکه‌های غیررسمی کمک‌رسانی می‌تواند به اندازه فقدان شبکه کنترل رسمی باعث وقوع جرم در جامعه شود (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۶).

سازمان‌ها به عنوان یک نظام حمایتی: امروزه، سازمان‌های اجتماعی در کنار یکدیگر شبکه و نظام گسترده‌ای را شکل می‌دهند که به عنوان حلقه‌های واسط بین مردم و دولت‌ها (نظام‌های اجتماعی خرد و کلان) عمل کرده و در نقش «نظام‌های میانی»^۵ منابع و تسهیلات را در قالب کالاها و خدمات مختلف از بالا به پایین تخصیص می‌دهند. افرادی که در مسیر زندگی خود در بهره‌گیری از خدمات این سازمان‌ها دچار مشکل گردند و یا به دلایل مختلفی از حمایت‌های آن‌ها محروم شوند در زندگی خود با مسائل و مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌گردند. چرا که، دیگر نهادهایی نظیر خانواده و خویشاوندی به مانند گذشته به تنهایی قادر به پاسخگویی به بسیاری از نیازهایی که توسط این سازمان‌های برآورده می‌شود نمی‌باشد. افراد بخش سازمان‌های خدمات اجتماعی اغلب حمایت موقتی فراهم می‌کنند که به آنها حمایت جانشین^۶ گفته می‌شود (رامبد و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲). در واقع، تحول عمده در نهاد خانواده با کوچک شدن آن و انتقال

1. community support
3. Gemeinschaft
5. Mesosystemes

2. Ferdinand Tönnies
4. Gesellschaft
6. Surrogate

کارکردهایش به سایر نهادهای اجتماعی ظاهر شده است. امروزه، دولت از راه گسترش شیر-خوارگاه‌ها و کودکان پرستاری می‌کند؛ تحصیل کودکان و جوانان بر عهده دولت است؛ جوانان دیگر چندان به بودجه خانواده وابسته نیستند؛ دولت جایگزین مادر و به تعبیری «مادرانه» شده است؛ به این معنا که زندگی مادی فرد، تحصیلاتش و خدمات بهداشتی‌اش را تأمین می‌کند. دولت است که به همه می‌پردازد و مسئول همگان است (بستان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۳). بنابراین، سازمان‌های کنونی در اشکال مختلف خود به صورت درون سازمانی و یا برون سازمانی به ایفای نقش‌های حمایتی خود در قبال افراد و گروه‌های مختلف جامعه می‌پردازند و بخش عمده‌ای از مسئولیت‌های اجتماعی این حوزه را بر عهده دارند.

چرا حمایت اجتماعی برای افراد زندانی مطالعه می‌شود؟ تأثیر احتمالی مکانیزم‌های حمایتی اجتماعی تخصصی اضافی و داخل نهادها برای پاسخگویی به بیماران زن و مردی که محبوس هستند به دلایل زیادی با اهمیت است. نخست، همه منابع این افراد، یعنی مکانیزم‌های حمایت اجتماعی زندانیان برای مواجهه شدن نیازهای شخصی یا موقعیتی‌شان با سلامت و امنیت اندکی که در جامعه زندانی دارند، می‌توانند کمک کننده باشند. برای مثال، مشارکت زندانی در برنامه‌های آموزشی زندان، شامل سوادآموزی پایه، می‌تواند زمان بیکاری را کاهش دهد و خود-پنداره را بهبود بخشد. علاوه بر این، گزارش مشارکت‌ها در این برنامه‌ها نشان می‌دهد که این برنامه‌ها همچنین، پناهگاه‌های سالمی را به جای زندان برای زندانیان فراهم می‌کند، توانایی-شان را برای مقابله با اغلب دشمنان محیطی زندان بالا می‌برد و کیفیت زندگی را روز به روز غنی می‌سازد. حمایت‌های اجتماعی تخصصی ظاهراً از برنامه آموزشی پایه‌ای زندان‌ها ناشی می‌شوند، که این برنامه‌ها زندانی را کمتر به نقض قانون هدایت می‌کند. دوم، مکانیزم‌های حمایت اجتماعی تخصصی - که به طور ویژه‌ای آن‌ها منشأ بیرون از زندان دارند - ممکن است صورت فلکی درون سازمان‌های زندانبانی را بهبود بخشند که به طور کامل مجبورند "دردهای حبس" نامیده شود و متعاقباً، وقوع نقض‌های قانونی رسمی در زندان کاهش می‌یابد. همان طور، کارلسون^۱ و سرورا^۲ (۱۹۹۲) گزارش کردند که، مشارکت‌های زندانیان در برنامه‌های تجدید دیدار خانواده، از دیدارهای شان لذت بردند و بخشی از خانواده‌های خودشان را درک کردند و روابط نزدیکی با اعضای خانواده‌شان را بیان کردند. این افزایش احساسات اجتماعی حرفه‌ای،

^۱-Carlson

^۲-Cervera

ممکن است خودپنداره زندانی را بهبود بخشد و ممکن است موجب شود، کل آموزش‌های‌شان را در داخل خرده فرهنگ‌های زندان احتمالاً از دست دهند. نتایج مثبت گزارش شده به وسیله مشارکت‌های برنامه‌های تجدید دیدار خانواده، از جمله پایین آمدن تعداد نقض قانون‌ها بیشتر از عدم مشارکت‌ها بوده است.

در دهه گذشته جرم شناسان، برای شناسایی ریشه‌های نظری حمایت اجتماعی شروع به کار کرده‌اند. پارت و گادسی^۱ (۲۰۰۳) در کنار کالنز^۲ (۱۹۹۴)، پیشگام کار کردن بر روی حمایت اجتماعی، معتقدند که این رویکرد ارتباط مفهومی با نظریه‌های ویژه مانند بازسازی آبرو^۳، نظریه بی‌هنجاری سازمانی^۴، سرمایه و نوع دوستی اجتماعی^۵ دارد. در ارتباط با «طرح عمومی می‌پندارند که همه مجموعه‌های اجتماعی - از جوامع گرفته تا ملت‌ها - در درجه انسجام، حمایت، ارزش‌های مرتبط و تمایل‌شان برای کمک کردن به زندانیان در نیازهای‌شان گوناگونند. در زمینه زندان حمایت اجتماعی ممکن است ارتباط خانواده بیمار را تقویت کند و تقویت ارتباطات خانوادگی می‌تواند رفتار اجتماعی حرفه‌ای هر دو جنس را پرورش دهد و رفتار نهادمند حرفه‌ای را در آن‌ها ارتقا داده - یا در کمترین حد خود سطوح رفتار ضد هنجاری را کاهش دهد (جیانگ و وینفری، ۲۰۰۶: ۳۴).

نظریه‌های انحراف اجتماعی^۶: از میان نظریه‌های مختلف حوزه کجروی و انحرافات اجتماعی، نظریه‌های کنترل اجتماعی نقشی در خور توجه در زمینه کنترل و کاهش جرم و انحرافات اجتماعی داشته‌اند. این نظریات با تأکید بر «ارتباطات اجتماعی»، «وابستگی میان افراد مهم»، و از طریق «مهار»، «تقویت» و «خنثی سازی» به دنبال تغییر شرایط زیست منحرفان اجتماعی و کاهش عوامل محیطی تسریع کننده در بروز انحراف اجتماعی می‌باشند. مهمترین نظریه‌پرداز این نظریه هیرشی می‌باشد.

هیرشی^۷ و پیوند اجتماعی: هیرشی مهمترین پایه‌گذار نظریه کنترل اجتماعی است که موضوع پیوند اجتماعی را مطرح کرده است و بر این باور است که کجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف گردد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۰). در واقع، فرد بدون حس وابستگی به یک بیمار روانی تبدیل می‌شود. هیرشی چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه را

1. ParttandGodsey
3. reintegrative shaming
5. social altruism
7. Hirschi

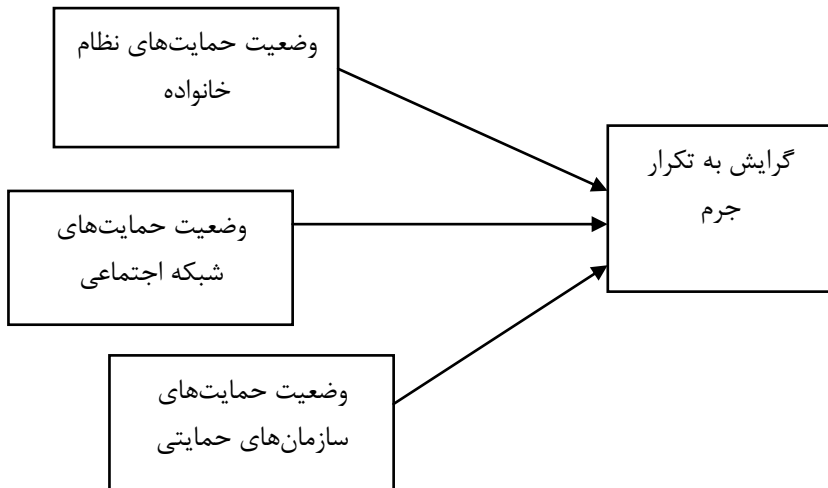
2. Cullen's
4. institutional anomie theory
6. social deviance theories

که مانع کجرفتاری می‌شود تحت عناوین پیوستگی^۱، التزام^۲، مشغولیت^۳ و باور^۴ بیان می‌دارد. پیوستگی را می‌توان در میزان ارتباط و علاقه به والدین، مدرسه و دوستان مشاهده کرد. داشتن «تعلق خاطر» نسبت به افراد و نهادها در جامعه یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌زند. ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کجرفتاری آزاد بداند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۲). التزام بر این فرض استوار است که سازماندهی جامعه به گونه‌ای است که منفعت اغلب افراد، چنانچه وارد اعمال خلاف شوند، به مخاطره می‌افتد. اغلب افراد با زندگی در یک جامعه سازمان‌یافته، اموال، شهرت و امیدواری-هایی به دست می‌آورند که نمی‌خواهند آن‌ها را از دست بدهند. آن‌ها این امتیازها را با گردن نهادن به قوانین حفظ می‌کنند. یک فرد نه تنها به واسطه چیزی که دارد، بلکه به واسطه چیزی که می‌خواهد به دست آورد، ملتزم به دنباله‌روی از دیگران (همرنگ با جماعت بودن) است. مشغولیت مربوط می‌شود به درجه‌ای که افراد به فعالیت‌های عادی مشغولند. افزایش مشغولیت سبب می‌شود فرد زمان کمتری برای ارتکاب رفتار بزهکارانه داشته باشد. درباره عنصر باور گفته می‌شود آنچه که رفتارهای نابهنجار را کاهش می‌دهد اعتقادات مؤثر است نه اعتقادات متناقض (علیپوردی نیا، ریاحی و سلیمانی بشلی، ۱۳۸۷: ۱۶۶-۱۶۷). در واقع، باور طرز تلقی مثبت فرد از مفاهیم اخلاقی و هنجاری است که مانع گرایش فرد به سوی رفتار کجروانه می‌شود.

فرانسیس کالن؛ حمایت اجتماعی و نوع دوستی: کالن یک رویکرد انتقادی درباره نظریه کنترل اجتماعی ارائه می‌دهد. او نظریه‌های کنترل را کاملاً رد نمی‌کند. در واقع، او یادآور می‌شود که کنترل‌های اجتماعی مقدار زیادی حمایت اجتماعی انباشته شده دارند. در عوض، کالن نشان می‌دهد که دید نظریه کنترل درباره ماهیت انسان (خودخواه و لذت طلب) خیلی ساده است. علاوه بر لذت فوری، انسان‌ها همچنین در رفتار نوع‌دوستانه و غیرخودخواهانه جستجو و تعامل می‌کنند. او به این نکته اشاره دارد که حمایت اجتماعی (عشق، پرورش و مراقبت والدینی) شروط قبولی برای تأثیر کنترل اجتماعی (والدین تأثیرگذار) هستند. بیشتر، عدم عشق و خودخواهی با کمبود شناختی و عاطفی گرم ارتباط دارد - کمبودهایی که برای اختلالات رفتاری بعدی مقدم هستند. تز کالن این است که آیا حمایت اجتماعی از طریق برنامه‌های اجتماعی دولت، اجتماع‌ها، شبکه‌های اجتماعی، خانواده‌ها، روابط بین‌فردی، یا نمایندگی‌های

نظام عدالت کیفری، ارائه می‌گردد و آن محیط جرم‌زا را کاهش می‌دهد. به این معنا، نشان داد که مذهبی بودن یا ازدواج‌های موفق جرم را کاهش می‌دهد و نباید تنها روی کنترل اجتماعی تکیه داشت. بیشتر آن‌ها ممکن است پرورش و حمایت را فراهم سازند و بنابراین، جرم کاهش می‌یابد (جینارو، جفری و رونالد، ۲۰۰۷: ۱۹۱). در واقع، در کارهای متوالی، کالن و همکارانش با مهارت بیان می‌کنند که رویکرد حمایت اجتماعی بطور ویژه‌ای برای بازتوانی زندانی مناسب می‌باشد، زیرا تحقیق نشان می‌دهد که نرخ بازگشت^۱ می‌تواند از طریق برنامه‌هایی که مهارت‌های میان‌فردی را توسعه می‌دهند و مشاوره‌های حمایتی که از طریق فراهم‌کنندگان مراقبت ارائه می‌شوند و خدمات اجتماعی چندگانه، کاهش یابد. نظریه حمایت اجتماعی پیش‌بینی می‌کند که مقدار زیاد پتانسیل تأثیرات مضر شرایط زندان بر روی رفتار زندانی می‌تواند به وسیله تأمین حمایت اجتماعی حل و فصل گردد. در واقع، کالن و همکارانش، نظریه‌شان را به وسیله نشان دادن اینکه حمایت اجتماعی یک روش مهم برای کاهش تأثیرات مضر اصلاح اجتماعی در زندگی مردم است مرتبط کرده‌اند (رابرت، جان و مات، ۲۰۰۹: ۲۴۵).

مدل نظری تحقیق



شکل ۱: مدل نظری ارتباط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

^۱-recidivism

فرضیه‌های تحقیق

براساس چارچوب نظری بیان شده در این تحقیق به دنبال مطالعه و بررسی فرضیه‌های ذیل می‌باشیم:

۱. بین وضعیت حمایت‌های نظام خانواده و گرایش به تکرار جرم در بین افراد آزاد شده از زندان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین وضعیت حمایت‌های شبکه اجتماعی و گرایش به تکرار جرم در بین افراد آزاد شده از زندان رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین وضعیت حمایت‌های سازمان‌های حمایتی و گرایش به تکرار جرم در بین افراد آزاد شده از زندان رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر براساس رویکرد تحقیق‌های کمی و کاربردی است و در زمره پژوهش‌های توصیفی و تبیینی از نوع پیمایش^۱ قرار دارد. جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه مددجویانی (مراجعاتی) را که در سال ۱۳۹۱ تحت پوشش مرکز مشاوره و مراقبت بعد از خروج تهران قرار گرفته‌اند، شامل می‌گردد.^۲ براساس گزارش مرکز مشاوره و مراقبت بعد از خروج تهران، تعداد مددجویان این مرکز در سال جاری (۱۳۹۱) از تاریخ ۹۱/۰۱/۰۱ لغایت ۹۱/۰۹/۲۵، ۱۲۶۷ نفر می‌باشد. اندازه نمونه تحقیق حاضر براساس فرمول کوکران برابر با ۳۰۰ نفر می‌باشد. در این تحقیق از شیوه «نمونه‌گیری در دسترس»^۳ برای اجرای پرسشنامه استفاده گردید. برای نمونه‌گیری در دسترس، عناصر به این دلیل انتخاب می‌شوند که در دسترس هستند یا به آسانی یافت می‌شوند (گرینل و آن رو، ۱۳۸۹: ۳۱۸). پژوهندگان علوم اجتماعی، معمولاً افراد معینی را به منزله واحدهای تحلیل خود انتخاب می‌کنند. در تحقیق حاضر نیز، واحد تحلیل «فرد»، یعنی «فرد آزاد شده از زندان» می‌باشد و برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه محقق ساخته

^۱ -survey

^۲ مرکز مشاوره و مراقبت بعد از خروج، وظیفه سامان‌دهی مجدد افراد زندانی (و خانواده‌های آنان) را پس از رهایی از زندان بر عهده دارد. افراد زندانی قبل از آزادی از زندانبان برنامه‌های حمایتی مرکز مراقبت آشنا می‌شوند. سپس، در مرحله بعدی، افراد نیازمند و واجد شرایط شناسایی و غربال‌گری می‌شوند و با تأیید ریاست محترم زندان در زمان آزادی به مرکز مشاوره و مراقبت بعد از خروج معرفی می‌گردند.

^۳ -availability sample method

و مطالعه پرونده استفاده شده است. همچنین، برای اجرای پرسشنامه‌ی تحقیق حاضر از تکنیک مصاحبه و مطالعه پرونده استفاده شد. در مطالعه حاضر برای حصول اطمینان از اعتبار محتوای پرسشنامه از شیوه اعتبار صوری و برای سنجش روایی گویه‌ها از آلفای کرباخ استفاده شد. جدول ۲، مقدار آلفای کرباخ شاخص‌های مختلف مورد بررسی این تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱: میزان آلفای شاخص‌های مورد سنجش تحقیق

میزان آلفا (Alpha)	تعداد گویه‌ها	شاخص‌ها
۰.۷۵	۱۱	گرایش به تکرار جرم
۰.۸۵	۲۴	وضعیت حمایت‌های نظام خانواده
۰.۸۶	۲۰	وضعیت حمایت‌های شبکه اجتماعی
۰.۹۱	۱۶	وضعیت حمایت‌های سازمان‌های حمایتی

در نهایت، با کمک نرم افزار آماری SPSS ۱۸ و با استفاده از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چند متغیره تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت پذیرفت.

یافته‌ها

در تحقیق حاضر که ۹۲.۳ درصد از پاسخگویان را مردان و ۷.۷ درصد از آنان را زنان تشکیل داده‌اند، ۳ درصد از آنان در گروه سنی زیر ۲۰ سال (کودکان و نوجوانان)، حدود ۱۴.۳ درصد در گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال (جوانان)، ۷۹.۷ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۶۰ سال (بزرگسالان) و ۳ درصد از پاسخگویان نیز در گروه سنی بالای ۶۱ سال (سالمنان) قرار دارند. همچنین، میانگین سنی پاسخگویان برابر با ۳۹.۹ سال، کوچکترین فرد پاسخگو از لحاظ سنی ۱۶ سال و بزرگترین آن ۸۲ سال می‌باشد. ۴۷.۳ درصد از این پاسخگویان از لحاظ نوع جرم ارتكابی در گروه جرائم بر ضد اموال، ۱۳.۷ درصد در گروه جرائم بر ضد اشخاص، ۳۸.۳ درصد در گروه جرائم بر ضد نظم عمومی و تنها ۰.۷ درصد از پاسخگویان نیز در گروه جرائم بر ضد دین قرار دارند. در واقع، جرائم مالی نظیر سرقت، چک بلامحل، جعل اسناد، کلاهبرداری، فروش مال به غیر، تخریب اموال، خیانت در امانت، مهریه، ترک نفقه و بدهی بیشترین درصد جرم‌های ارتكابی پاسخگویان، و بعد از آن جرائم بر ضد نظم عمومی نظیر خرید و فروش مواد

مخدر، حمل و نگهداری مواد، تهیه و تکثیر سی دی‌های مبتذل، تشکیل و راه‌اندازی مراکز فساد، حمل و نگهداری سلاح، سرقت مسلحانه، مشارکت در نزاع دست جمعی و قتل بیشترین درصد عنوان جرم ارتكابی پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، در بین این دو دسته از جرائم نیز سرقت و خرید و فروش مواد مخدر از بیشترین فراوانی در میان پاسخگویان برخوردار می‌باشند. ۶.۳ درصد از پاسخگویان نیز دارای میزان محکومیتی کمتر از ۳ ماه، ۱۴.۳ درصد دارای میزان محکومیتی بین ۳ ماه و یک روز تا ۶ ماه، ۲۳.۷ درصد دارای میزان محکومیتی بین ۶ ماه و یک روز تا ۱۲ ماه، ۲۱.۳ درصد دارای میزان محکومیتی بین ۱۲ ماه و یک روز تا ۲۴ ماه و ۳۴.۳ درصد دارای میزان محکومیتی بیش از ۲۴ ماه می‌باشند و نیز، کمترین میزان محکومیت در بین پاسخگویان ۱۲ روز و بیشترین میزان محکومیت ۷۵۳۶ روز یعنی بیش از ۲۰ سال بوده است. همچنین، ۵۰.۳ درصد از افراد آزاد شده از زندان بدون سابقه تکرار جرم هستند. ۲۲.۳ درصد دارای یکبار سابقه تکرار جرم، ۱۹.۷ درصد دارای سابقه‌ای بین ۲ تا ۴ فقره، ۴.۷ درصد دارای سابقه‌ای بین ۵ تا ۹ فقره و ۳ درصد نیز دارای سابقه‌ای بیش از ۱۰ فقره تکرار جرم می‌باشند. میانگین سابقه ارتکاب جرم در بین پاسخگویان کمتر از ۲ یعنی حدود ۱.۴ فقره برای هر یک از پاسخگویان است. بیشترین تعداد پاسخگویان (۵۰.۳ درصد) محکومیت فعلی، اولین تجربه آن‌ها می‌باشد و تنها یک بار محکوم شده و به زندان را رفته‌اند. دامنه سابقه ارتکاب جرم ۱۴ می‌باشد که بیشترین میزان سابقه تکرار جرم ۱۴ فقره است.

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل با گرایش به تکرار جرم

میزان محکومیت	سابقه تکرار جرم	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	حمایت‌های سازمان حمایتی	حمایت‌های شبکه اجتماعی	حمایت‌های نظام خانواده	آزمون آماری
						گرایش به تکرار جرم
						ضریب همبستگی
۰.۰۷	۰.۱۱	-۰.۹	-۰.۲۶	-۰.۳۴	-۰.۲۷	
۰.۲	۰.۰۴۷	۰.۱۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	پیرسون
۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	سطح معناداری
						تعداد

نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون (مطابق جدول ۲) بین دو متغیر حمایت های نظام خانواده و گرایش به تکرار جرم، رابطه ای با ضریب همبستگی $0.27-$ و سطح معناداری مطلوب وجود دارد. بدین معنا که، هر چه وضعیت حمایت های نظام خانواده مطلوب تر باشد میزان گرایش به تکرار جرم در افراد آزاد شده از زندان کاهش می یابد و در صورت کاهش مطلوبیت وضعیت حمایت های نظام خانواده، انتظار می رود میزان گرایش به تکرار جرم در آنها افزایش یابد. همچنین، نتایج به دست آمده از این آزمون در ارتباط با متغیرهای: وضعیت حمایت های شبکه اجتماعی و سازمان های حمایتی با گرایش به تکرار جرم نیز نشان می دهد که بین حمایت های شبکه اجتماعی با گرایش به تکرار جرم رابطه ای با میزان همبستگی $0.34-$ (رابطه - ای معکوس و با شدت متوسط) و در سطح خطای 0.01 و بین حمایت های سازمان های حمایتی و گرایش به تکرار جرم رابطه ای با ضریب همبستگی $0.26-$ (رابطه ای معکوس و با شدت متوسط) و سطح خطا 0.01 وجود دارد. همچنین، در تحقیق حاضر علاوه بر متغیرهای مستقل اصلی، رابطه بین سه متغیر ثانویه دیگر که احتمال آن می رفت با متغیر وابسته رابطه داشته باشند نیز مورد آزمون قرار گرفتند. این متغیرها عبارتند از: پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سابقه جرم و میزان محکومیت. نتایج آزمون پیرسون در بررسی رابطه این متغیرها با گرایش به تکرار جرم حاکی از آن است که بین دو متغیر سابقه جرم و گرایش به تکرار جرم رابطه ای با شدت 0.11 (رابطه ای مستقیم و با شدت متوسط) و در سطح اطمینان 0.95 ($Sig=0.04$) وجود دارد. اما بین متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان محکومیت با گرایش به تکرار جرم رابطه معناداری وجود ندارد. بطوری که، به ترتیب سطح معناداری رابطه این متغیرها با متغیر وابسته $Sig=0.11$ و $Sig=0.2$ می باشد که به علت سطح خطای بالای 0.05 رابطه رد می گردد. در مورد عدم ارتباط رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی با گرایش به تکرار جرم می توان این توضیح را بیان داشت که از آنجایی که اکثریت پاسخگویان - برابر با ۸۵ از افراد آزاد شده از زندان - دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایینی هستند و تنها ۱۴.۷ درصد از آنان دارای پایگاه متوسط و ۰.۳ درصد نیز دارای پایگاه بالا می باشند. در واقع، سطوح برابر پایگاه اجتماعی - اقتصادی اکثریت افراد آزاد شده از زندان موجب گردیده واریانس های این متغیر با واریانس های متغیر وابسته رابطه معناداری را نشان ندهد.

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره رابطه بین متغیرهای مستقل با گرایش به تکرار جرم

مدل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده (R^2 .ad)	سطح معناداری
متغیرهای مستقل	۰.۴۰	۰.۱۶	۰.۱۴	۰.۰۰۰

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره بیانگر آن است که از میان متغیرهای مستقل وضعیت حمایت‌های نظام خانواده، شبکه اجتماعی، سازمان‌های حمایتی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سابقه جرم و میزان محکومیت تنها دو متغیر وضعیت حمایت‌های نظام خانواده و شبکه اجتماعی وارد معادله شده‌اند و رابطه آن‌ها با متغیر گرایش به تکرار جرم معنادار بوده است. در حالی که، سایر متغیرها از معادله خارج گردیده و دارای رابطه معناداری با متغیر گرایش به تکرار جرم نبوده‌اند. جدول ۴، که نتایج آزمون تحلیل رگرسیون را درباره رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته نشان می‌دهد حاکی از آن است که، میزان همبستگی متغیر گرایش به تکرار جرم در یک ترکیب خطی با متغیرهای وارد شده در معادله برابر با ۰.۴۰ می‌باشد. در واقع، ۴۰ درصد از واریانس‌های متغیرهای مستقل با ۴۰ درصد از تغییرات و واریانس‌های متغیر وابسته همبسته‌اند. همچنین، ضریب تعیین حاصل برابر با ۰.۱۶ است. بدین معنا که، متغیرهای وارد شده به معادله (یعنی: وضعیت حمایت‌های نظام خانواده و شبکه اجتماعی) توانسته‌اند ۱۶ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته (یعنی: گرایش به تکرار جرم) را تبیین نمایند. ضریب تعیین تعدیل یافته نیز برابر با ۰.۱۴ می‌باشد. این معیار نسبت به R^2 حقیقی‌تر است، زیرا الزاماً با افزایش تعداد متغیرهای مستقل افزایش نمی‌یابد، درحالی که، مقدار R^2 تابع تعداد متغیرهای مستقل مدل است (غیاثوند، ۱۳۸۷: ۲۰۹).

جدول ۴: آزمون معناداری ضریب تعیین (Anova) درباره رابطه بین متغیرهای مستقل با گرایش به

تکرار جرم

مدل	درجه آزادی (df)	آزمون تحلیل واریانس (F)	سطح معناداری (sig)
رگرسیون کل	۶	۹.۴۵	۰.۰۰۰
	۲۹۹		

جدول ۴، آزمون معناداری ضریب تعیین را نشان می دهد. براین اساس، مقدار F که برابر با نسبت متوسط واریانس رگرسیون به متوسط واریانس باقیمانده است، در معادله رگرسیونی حاضر ۹.۴۵ و دارای سطح معناداری ۰.۰۰۰ می باشد.

جدول ۵: ضریب آزمون تحلیل رگرسیون استاندارد شده درباره رابطه بین متغیرهای مستقل با گرایش به تکرار جرم

مدل	ضریب رگرسیون (b)	ضریب رگرسیون استاندارد شده (Beta)	سطح معناداری
حمایت های نظام خانواده	-۰.۰۵	-۰.۱۴	۰.۰۱۷
حمایت های شبکه اجتماعی	-۰.۱۷	-۰.۲۳	۰.۰۰۰
حمایت های سازمان های حمایتی	-۰.۰۹	-۰.۱۱	۰.۰۵۵

جدول ۵ نیز، ضریب رگرسیون استاندارد شده برای سه متغیر حمایت های نظام خانواده، شبکه اجتماعی و سازمان های حمایتی را نشان می دهد. نتایج این جدول بیانگر آن است که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در حمایت های نظام خانواده، میزان گرایش به تکرار جرم ۰.۱۴ انحراف استاندارد کاهش می یابد و با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در حمایت های شبکه اجتماعی شاهد کاهش ۰.۲۳ انحراف استاندارد در گرایش به تکرار جرم می باشیم. اما، بین حمایت های سازمان های حمایتی و گرایش به تکرار جرم به دلیل سطح خطای بالای ۰.۰۵ رابطه معنادار نمی باشد. در مجموع، همانطور که ملاحظه می گردد حمایت های شبکه اجتماعی در مقایسه با حمایت های نظام خانواده سهم بیشتری در تبیین واریانس های گرایش به تکرار جرم دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون همبستگی تفکیکی و نیمه تفکیکی در تحلیل رگرسیون چند متغیره

متغیرهای مستقل	سطح معناداری	همبستگی	
		مرتب به صفر	نیمه تفکیکی
حمایت های نظام خانواده	۰.۰۱۷	-۰.۲۷	-۰.۱۴
حمایت های شبکه اجتماعی	۰.۰۰۰	-۰.۳۴	-۰.۲۲

با توجه به جدول ۶، نتایج آزمون همبستگی تفکیکی و نیمه تفکیکی نشان می‌دهد که همبستگی مرتبه صفر بین دو متغیر حمایت‌های نظام خانواده و گرایش به تکرار جرم ۰.۲۷- است. با کنترل اثر سایر متغیرها بر این رابطه، این میزان ۰.۱۴- می‌گردد، اما اگر تأثیر این متغیرها تنها بر متغیر حمایت‌های نظام خانواده کنترل گردد این میزان برابر با ۰.۱۳- می‌شود. همچنین، همبستگی مرتبه صفر متغیر حمایت‌های شبکه اجتماعی با گرایش به تکرار جرم ۰.۳۴- است اما اگر اثر سایر متغیرها را ثابت نگه داریم، این میزان برابر با ۰.۲۲- می‌باشد. همبستگی نیمه تفکیکی رابطه بین حمایت‌های شبکه اجتماعی با گرایش به تکرار جرم، چنانچه تأثیر سایر متغیرها را فقط بر متغیر حمایت‌های شبکه اجتماعی کنترل کنیم برابر با ۰.۲۰- می‌باشد. در مجموع، نتایج حاکی از آن است که از میان متغیرهای مستقل مورد سنجش تحقیق حاضر، تنها دو متغیر حمایت‌های نظام خانواده و شبکه اجتماعی وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و این دو متغیر به تنهایی ۱۶ درصد از واریانس‌های متغیر گرایش به تکرار جرم را تبیین می‌کنند و ۸۴ درصد ($e^2=0.84$) از واریانس‌های این متغیر توسط متغیرهای مستقل تبیین نشده‌اند.

بحث و نتیجه گیری

حمایت اجتماعی، واژه عامی است که از حمایت مالی گرفته تا انواع پیشگیری و رفع نیازمندی‌های افراد زندانی از زمان حبس تا پس از رهایی از زندان را در بر می‌گیرد. این حمایت‌ها ممکن است به طور رسمی یا غیررسمی از طریق دولت، اجتماع، خانواده، شبکه اجتماعی، سازمان‌های حمایتی و ... ارائه گردند. بر طبق نظر کالن، حمایت اجتماعی به طور نظری برای جرم‌شناسی با اهمیت است. چرا که باعث می‌گردد خدمات آن به عنوان عامل پیشگیری باشد، که هم شخص را از انحراف باز دارد و هم به آن‌ها در فرآیند اصلاح و بازتوانی کمک کند. به این معنا، حمایت اجتماعی قابل کاربرد برای پیشگیری از جرم^۱ و درمان متخلف است (رابرت، جان و مات، ۲۰۰۹: ۲۴۵). نتایج تحقیق حاضر نیز حاکی از آن است که بین حمایت‌های نظام خانواده، شبکه اجتماعی و سازمان‌های حمایتی با گرایش به تکرار جرم افراد آزاد شده از زندان رابطه معناداری وجود دارد. بطوری که، بین حمایت‌های نظام خانواده و

¹-crime prevention

گرایش به تکرار جرم، رابطه‌ای با ضریب همبستگی ۰.۲۷- و در سطح اطمینان مطلوب، بین حمایت‌های شبکه اجتماعی و گرایش به تکرار جرم رابطه‌ای با میزان همبستگی ۰.۳۴- و در سطح خطای ۰.۰۱ و بین حمایت‌های سازمان‌های حمایتی و گرایش به تکرار جرم رابطه‌ای با ضریب همبستگی ۰.۲۶- و در سطح اطمینان ۰.۹۹ وجود دارد. بدین ترتیب، می‌توان اظهار داشت که، حمایت‌هایی که از طریق نظام خانواده، شبکه اجتماعی و سازمان‌های حمایتی به افراد آزاد شده از زندان ارائه می‌گردند می‌توانند نرخ بازگشت^۱ مجدد آنان را به ارتکاب جرم کاهش دهند. نتایج تحقیق‌های مشابه نیز حاکی از آن است که نرخ بازگشت می‌تواند از طریق برنامه‌هایی که مهارت‌های میان‌فردی را توسعه می‌دهند و مشاوره‌های حمایتی که از طریق فراهم کنندگان مراقبت ارائه می‌شوند و خدمات اجتماعی چندگانه، کاهش یابد (رابرت، جان و مات، ۲۰۰۹: ۲۴۵).

عوامل مختلفی وجود دارند که می‌توانند در گرایش افراد آزاد شده از زندان به تکرار جرم تأثیرگذار باشند. در بررسی برخی از مهمترین این عوامل، نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بین گرایش به تکرار جرم و سابقه جرم در بین افراد آزاد شده از زندان رابطه‌ای با شدت ۰.۱۱ و در سطح اطمینان ۰.۹۵ ($\text{Sig}=0.04$) وجود دارد. بنابراین، در برنامه‌های مراقبت اجتماعی پس از رهایی از زندان می‌بایست برنامه‌های ویژه‌ای را برای افراد دارای سابقه تکرار جرم اعمال نمود تا بتوان هر چه بیشتر آنان را با هنجارهای پذیرفته شده جامعه همسو کرد. اما در بررسی رابطه عواملی دیگر نظیر: پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان محکومیت با گرایش به تکرار جرم، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی با گرایش به تکرار جرم رابطه معناداری وجود ندارد. شاید علت آن را بتوان در سطوح برابر پایگاه اجتماعی - اقتصادی اکثریت افراد آزاد شده از زندان جستجو کرد. چرا که، ۸۵ درصد از آنان دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایینی هستند و تنها ۱۴.۷ درصدشان دارای پایگاه متوسط و ۰.۳ درصد نیز دارای پایگاه بالا می‌باشند. بنابراین، این امر موجب گردیده واریانس‌های متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی با واریانس‌های متغیر گرایش به تکرار جرم رابطه معناداری را نشان ندهد. همچنین، بین میزان محکومیت و گرایش به تکرار جرم نیز رابطه معناداری وجود نداشت، یعنی با افزایش یا کاهش میزان محکومیت نمی‌توان انتظار داشت که میزان گرایش به تکرار جرم کاهش یابد. این مسأله مغایر با نظر بسیاری از متخصصان و مسئولان دستگاه قضایی است که معتقدند با

¹-recidivism

افزایش میزان محکومیت‌ها می‌توان افراد مجرم را از رفتارهای انحرافی بازداشت. در واقع، همان طور که هیرشی بیان می‌دارد این ضعف پیوندهای اجتماعی افراد با جامعه است که موجب کجروی و انحراف افراد می‌گردد و ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کجرفتاری آزاد بداند (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۷: ۵۲). بنابراین، نظام عدالت کیفری بیش از توجه به افزایش مجازات‌های محکومین به زندان می‌بایست به دنبال مداخلات اجتماعی لازم جهت تقویت پیوندهای اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی باشند و بدین ترتیب، این تفکر را که «از افراد زندانی مراقبت کنیم تا به زندان بر نگردند» به تدریج به سمت این ایده که «از این افراد مراقبت کنیم تا به اجتماع باز گردند» تغییر دهند.

بطوری کلی، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیره بیانگر آن است که از میان متغیرهای مستقل حمایت‌های نظام خانواده، شبکه اجتماعی، سازمان‌های حمایتی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سابقه جرم و میزان محکومیت تنها دو متغیر حمایت‌های نظام خانواده و شبکه اجتماعی وارد معادله شده‌اند و رابطه آن‌ها با متغیر گرایش به تکرار جرم معنادار بوده است. در حالی که، سایر متغیرها از معادله خارج گردیده و دارای رابطه معناداری با متغیر گرایش به تکرار جرم نبوده‌اند. میزان همبستگی این متغیرها با متغیر گرایش به تکرار جرم در یک ترکیب خطی برابر با ۰.۴۰ می‌باشد. در واقع، ۴۰ درصد از واریانس‌های متغیرهای مستقل با ۴۰ درصد از تغییرات و واریانس‌های متغیر وابسته همبسته‌اند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در حمایت‌های نظام خانواده، میزان گرایش به تکرار جرم ۰.۱۴ انحراف استاندارد کاهش می‌یابد و با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در حمایت‌های شبکه اجتماعی شاهد کاهش ۰.۲۳ انحراف استاندارد در گرایش به تکرار جرم می‌باشیم. در نهایت، ضریب تعیین حاصل نیز برابر با ۰.۱۶ است. بدین معنا که، متغیرهای وارد شده به معادله توانسته‌اند ۱۶ درصد از واریانس مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. بنابراین، با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان اذعان داشت که، هر اندازه مداخلات اجتماعی بتواند منابع حمایت اجتماعی افراد آزاد شده از زندان را ارتقا داده و تقویت کنند به همان میزان می‌توان انتظار کاهش گرایش این افراد به تکرار جرم باشیم. چرا که، تجربه زندان برای افراد زندانی با از دست دادن بخش بزرگی از حمایت‌های نظام خانواده، شبکه اجتماعی، دوستان و آشنایان همراه است که با افزوده شدن ضعف حمایت‌های رسمی به آن‌ها، مجازات‌های اجتماعی مضاعفی را به این افراد تحمیل می‌کند. در چنین شرایطی، و با تحریم‌های اجتماعی صورت گرفته از سوی

منابع مختلف اجتماعی، طبیعی می‌نماید که افراد آزاد شده از زندان برای رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی خود به سمت ضد ارزش‌ها و شبکه‌های ضد اجتماعی سوق پیدا کنند و بدین ترتیب، مقدمات و شرایط تکرار جرم و کجرفتاری آنان فراهم گردد.

بنابراین، برای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط افراد آزاد شده از زندان، می‌بایست منابع حمایت اجتماعی‌گسترده، یکپارچه و هماهنگی، اعم از منابع حمایتی رسمی (نظیر: دولت، مراکز و سازمان‌های حمایتی، NGOها و ...) و غیر رسمی (نظیر: خانواده، خویشان، دوستان، همکاران و ...) موجود در جامعه در کنار یکدیگر بسیج شوند، تا از این طریق، بتوان با تقویت پیوند و رابطه بیش از پیش این افراد با اجتماع‌شان، آنان را هر چه بیشتر با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده جامعه خود هماهنگ کرده و بدین ترتیب، مانع از ارتکاب مجدد آنان به جرم گردید.

study the relationship between social support and orientation to recidivism among released from prison

DR. mohammad zahedi asl¹

²Mohammad Rajeyan

Abstract

Today, due to recidivism, prisons in most countries, the accumulation of frequent offenders and the courts are full of cases that are pending. Many of these people to reasons such as family adverse conditions, weak relations of kinship, adverse community location, poverty, unemployment, lack of official support and cetra well be caught deviance and personal and social problems. In the present study, based on survey and by implementing a questionnaire to investigate the relationship between social support with tendency to repeat the crime among people released from prison. The results of SPSS software and using Pearson correlation and multivariate regression tests show that between the protection of the family, social networks and advocacy organizations supports have a significant relationship with a tendency to repeat the offense. So that, by strengthening the social ties and social support through advocacy organizations, communities, social networks, families and interpersonal relationships offered reduced environment causing offense and thus committing the crime and Individuals' tendency offender to prevent recidivism.

Keywords: Social Control, Sources of social support, Tendency to repeat crime.

¹ - Allameh Tabatabai university professor of social Work

² - master of Social Work (Email: m.rajeyan@yahoo.com)

منابع

فارسی

- آلبوکردی، س و دیگران. (۱۳۸۹)، رابطه بین عزت نفس و حمایت اجتماعی با افسردگی در زندانیان مرد، *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران* (نامه دانشگاه): ۶۲-۶۸.
- اسدالهی، ع ر، محسنی تبریزی، ع. و براتوند، م. (۱۳۸۸)، نقش مرکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال زایی زنان زندانی خوزستان، *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۴، ۳۴۹ - ۳۵۵.
- اقلیما، م. و عادلین راسی، ح. (۱۳۸۸)، *تکنیک های کار با جامعه - مددکاری جامعه های -*، مشهد: انتشارات فرا انگیزش.
- بستان، ح و همکاران (۱۳۸۹)، *اسلام و جامعه شناسی خانواده*، جلد پنجم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیات و دیگران (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور (پیشگیری اجتماعی از جرم)، *معاونت اجتماعی نیروی انتظامی - اداره کل مطالعات اجتماعی*.
- پورا احمدی لاله، م ر. (۱۳۸۶)، کاهش تکرار جرم در نظام کیفری انگلیس، *ماهنامه شماره ۶۶*، سال یازدهم، بهمن و اسفند ۱۳۸۶، ۲۰ - ۲۴.
- چلبی، م. (۱۳۸۵)، *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نشر نی.
- رامبد، م، رفیعی، ف. و ساریان حسن آبادی م ت. (۱۳۸۹)، *حمایت های اجتماعی*، تهران: انتشارات خسروی.
- راهروخواجه، ع ا. و دلربایی فرد، ل. (۱۳۹۰)، نقش مراکز مراقبت بعد از خروج در پیشگیری از تکرار جرم، *فصلنامه اصلاح و تربیت*، سال دهم، شماره ۱۱۴، صص ۲۷ - ۳۲.
- روشه، گ. (۱۳۷۵)، *مقدمه ای بر جامعه شناسی عمومی*، سازمان اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی زاده، تهران: سمت، چاپ اول، صص ۳۹-۴۵.
- سارافینو، ادوارد پ. (۱۳۸۴)، *روانشناسی سلامت*، مترجمان: احمدی ابهری، سید علی و همکاران، تهران: انتشارات رشد.

- سعدی‌پور، ا. (۱۳۸۹)، بررسی رابطه حمایت اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای با تاب‌آوری در نوجوانان پسر کانون اصلاح و تربیت و نوجوانان عادی شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صدیق سروستانی، ر ال (۱۳۸۷)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: انتشارات سمت.
- علیوردی نیا، ا.، ریاحی، م. ا. و سلیمانی بشلی، م. ر. (۱۳۸۷). تبیین جامعه شناختی گرایش به مصرف سیگار، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مازندران، سال ۱۶، شماره ۶۱، ۱۶۱-۱۸۸
- غلامی، ح. (۱۳۸۲)، تکرار جرم - بررسی حقوقی و جرم شناختی، تهران: نشر میزان.
- غیائوند، ا. (۱۳۸۷)، کاربرد آمار و نرم افزار SPSS در تحلیل داده‌ها (آموزش جامع نم افزار SPSS)، تهران: نشر لویه.
- کفاشی، م. و اسلامی، ع. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در خراسان شمالی، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم، ۵۷ - ۶۹.
- گرنیل، ر ام. و یوان‌ای. آن‌رو جی‌آر. (۱۳۸۹)، پژوهش و ارزیابی در مددکاری اجتماعی: رویکردهای پژوهشی کمی و کیفی، مترجمان: طلعت الهیاری و اکبر بخشی‌نیا. تهران: دانژه.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۹)، جامعه شناسی - با تجدید نظر کامل و روزآمد شده - ترجمه: حسن چاوشیان، ویراست چهارم، تهران: نشر نی.
- محدث، م. (۱۳۸۸)، مقایسه تطبیقی تأثیر مجازات زندان با مجازات‌های جایگزین در پیشگیری از تکرار جرم، مؤسسه فرهنگی انتشارات نگاه بینه.
- ممتاز، ف. (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مهدوی، م ص. و عباسی اسفجیر، ع ا. (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بین پیوندهای اجتماعی - خانوادگی و میزان بزهکاری نوجوانان، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال اول، شماره اول: ۱۱ - ۴۵.

- نورایی، ا. و صیدی، م. (۱۳۸۹)، بررسی جامعه‌شناختی ارتکاب جرم در بین جوانان شهر ایلام و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: زندان مرکزی ایلام)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی: ۱۰۵ - ۱۲۱.

انگلیسی

- Cullen, F. T. (1994), Social Support as Organizing Concept For Criminology: Presidential Address To The Academy of Criminal Justices. *Justice Quarterly*, Vol. 11 No. 4 December.
- Gennaro, F. Vito, Jeffrey A. Mapahs & Ronald M. Holmes, (2007). **‘Criminology, Theory, Research, and Policy’** second edition, Library of congress cataloging inpublication data.
- Hochstet, ler.Andy, Delisi .Matt & Partt .Travis .C. (2010), **Social support and Feelings of Hostility Among Released Inmates, Crime& Delinquency** 588-607, Saga Publication.
- Jiang, Shanhe & Winfree Jr. L. Thomas (2006) **Social Support, Gender, and Inmate Adjustment to Prison Life - Insights from a National Sample**, the Prison Journal, Sage Publications 32-55.
- Peterson, Sandra j. & Bredow, Timothy s., (2009). **Middle Rang Theories: Application to Nursing Research”**, Second Edition, Library of Congress cataloging – in – publication Data.
- Rabert, Regoli, John Hewitt, & Matt Delisi (2009). **Deliquency in Society**, Jones and Bartlett Publishers Canada.
- www.prisonstudies.org (21 August 2013)